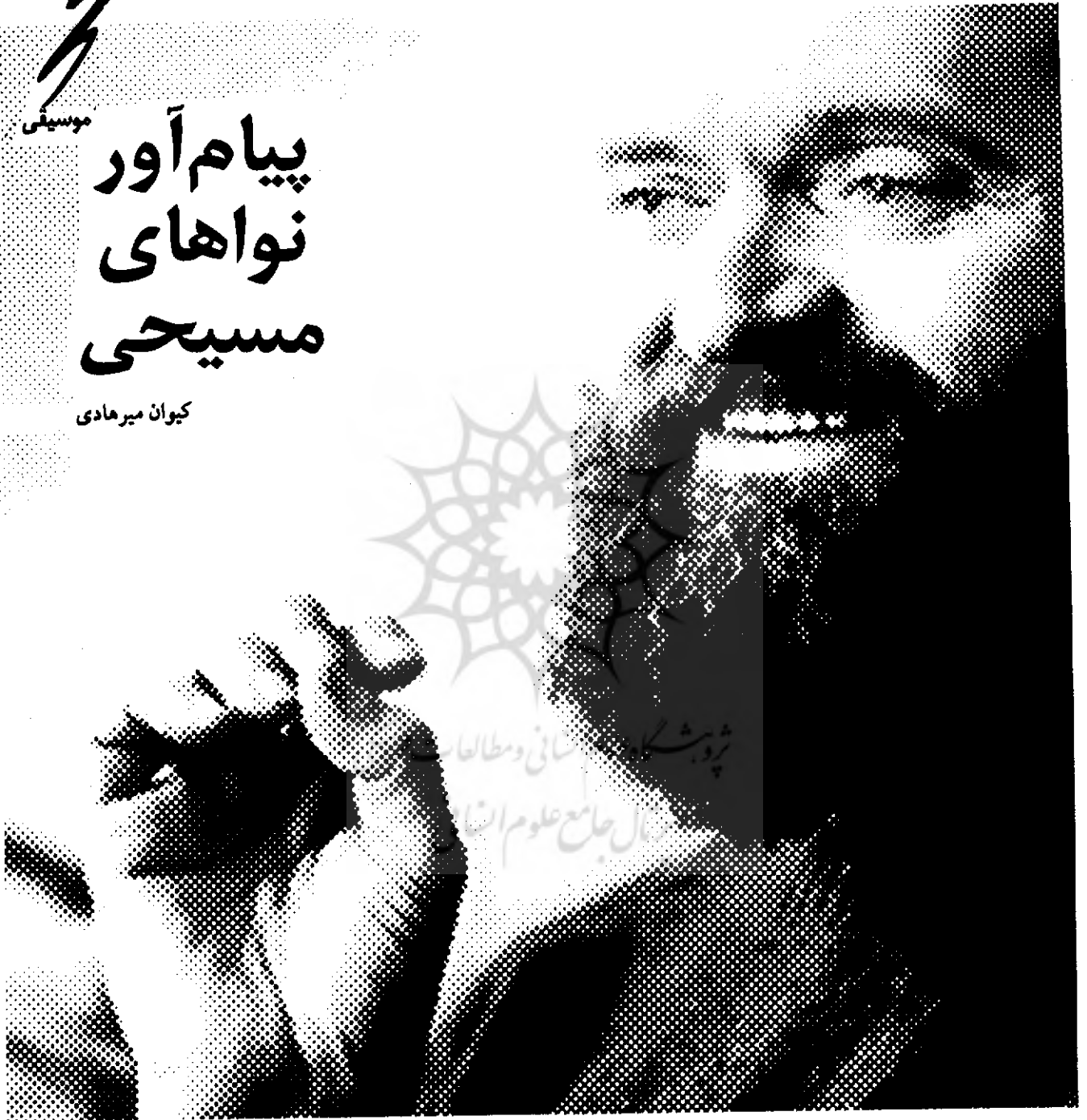




موسیقی

# پیام آور نواهای مسیحی

کیوان میرهادی



پیشگام سانی و مطالعات  
سال جامع علوم انسانی

«آرمان من این است که زمان و بی‌زمانی به هم بپیوندند. درون ما، هر لحظه با ابدیت در  
پیکار است و همین، دلیل تمام دوگانگی‌های ما است... آروو پارت و مکتبی که به آن تعلق  
دارد نام‌های زیادی به خود گرفته است، برخی آن را «عرفان اروپایی» و بعضی آن را  
«صینی مالیزم مقدس» نامیده‌اند که با وجود در برداشتن وجوه فوق، این مکتب را می‌توان  
مکتب «سادگی» نامید.

## آروو پارت :

## طنین ناقوس‌های استونی

شهرت آرووپارت در غرب باعث شد تا حکومت وقت شوروی وی را تحت فشار قرار دهد و سرانجام پارت در سال ۱۹۸۰ به همراه همسرش «نورا» و دو پسرش ناگزیر از مهاجرت شدند

آروو پارت، ۱۱ سپتامبر ۱۹۲۵ در پید - استونی<sup>۴</sup> متولد و در پایتخت استونی یعنی شهر تالین<sup>۵</sup> بزرگ شد. بعد از ۸ قرن اشغال بیگانهگان، سرانجام استونی در پایان جنگ جهانی اول به استقلال رسید و در سال ۱۹۲۰ بود که اولین نسل آهنگسازان این کشور به ظهور رسیدند. Heino Eller (۱۹۷۰-۱۹۸۷) از مهم‌ترین آهنگسازانی است که تأثیرات عمده و مهمی بر نسل‌های بعد از خود برجای نهاد. پارت فراگیری موسیقی را از سال ۱۹۵۴ در هنرستان موسیقی تالین آغاز کرد که کمتر از یک سال به خاطر خدمت نظام وظیفه در آن وقفه افتاد. پارت به عنوان طبلال و نوازنده ابوا در ارکستر ارتش خدمت کرد و پس از ترخیص، تحصیلات خود را در کنسرواتوار تالین، تحت نظر «ایر» آغاز کرد. همچنین در خلال سال‌های ۵۸ تا ۶۷ میلادی به عنوان مدیر ضبط و آهنگساز، مشغول کار در رادیوی استونی شد. زمانی که از کنسرواتوار فارغ‌التحصیل شد، تقریباً به عنوان آهنگسازی حرفه‌یی به شمار می‌رفت، کارهای اولیه‌ی وی که در زمان دانشجویی نوشته شده بود، یعنی یک کوارتت زهی و چند قطعه برای پیانو، آشکارا تحت تأثیر آهنگسازان نئوکلاسیک روسی نظیر شوستاکوویچ و پروکوفیف بودند.

همچنین وی موفق شده بود جایزه‌ی اول مسابقهٔ «انجمن‌های آهنگسازان جوان» مسکو را به خاطر دو کار گزرا از آن خود سازد. سومین کار گزرا وی، قطعهٔ کوتاهی است به نام *Solfeggio*، که مجموعه‌یی است از گام‌های مازور که بیشتر به تمرین آواز خوانی می‌ماند. ولی نحوهٔ صدادهی گام‌ها و توزیع مناسب نت‌های گام به بخش‌های مختلف خوانندگان آن را متبدل به قطعه‌یی دوست‌داشتنی و منحصر به فرد کرده است. *Necrolog* (۱۹۶۰)، اولین کار ارکسترال پارت و نیز اولین اثر آهنگسازی از کشور استونی است که در آن روش دودکافونیک شوئنبرگ به کار گرفته شده است. پس از آن سمفونی شماره (۱) ساخته شد که کاری است پلی‌فونیک که باز هم تأثیرات سریالیزم شوئنبرگ در آن مشاهده می‌گردد. این اثر به پروفیسور «آلر» استاد پارت پالوشت‌ها:

تقدیم شده است.

پارت تا اواسط دههٔ ۶۰ به روش کمپوزیسیون سریال ادامه داد و سمفونی شماره (۲) و نیز قطعهٔ *Perpetuum Mobile* از جمله تجربیات سریالیستی وی به شمار می‌روند. سرانجام، پارت از این سبک رویگردان شد و به تجربه‌های جدید گروید. کارهایی نظیر کولاز بر روی حروف اسم باخ و *Credo* (۱۹۶۸) از جمله این تجربیات‌اند. از این زمان به بعد، سکوت ده ساله‌یی بر وی مستولی گشت - سکوتی که تنها یک بار در اوایل خود با نوشتن سمفونی شماره (۳) در سال ۱۹۷۱ شکسته شد... این قطعه تسلی‌بخش است، ولی هنوز ایده‌آل من نیست... طی این مدت، آروو پارت فروتنانه به مطالعه عمیق آوازهای گرگوار و آثار آهنگسازان قرون وسطی نظیر اوبرخت، آگیم،<sup>۶</sup> دو ماشو<sup>۷</sup> و دیپره<sup>۸</sup> پرداخت... «آوازهای گرگوار به من آموخت که رازی عظیم در این جا نهفته است که اگر یک نت و فقط یک نت، به زیبایی نواخته شود به آن قناعت کنم زیرا این نت در جوهر خود حامل صلح و آرامش و سکوتی است که روح من در طلب آن است...» ثمرهٔ این مطالعات، ابتداء سبک *Tintinabulation* بود که تا ابد با اسم او عجین خواهد ماند. نام این سبک از کلمه‌یی لاتین که ناقوس کوچک معنی می‌دهد گرفته شده و برگرفته از زنگ‌هایی است که وقتی به صدا در می‌آیند، ابتدا یک صدای پایه و سپس تعداد زیادی صداهای هارمونیک از خود ساطع می‌کنند. این روش، تأکید زیادی بر روی نت‌های منفرد داشته و در آن از سکوت‌های طولانی استفاده می‌شود... معمولاً از آنسامیل سازی کوچک استفاده می‌کنم، یک صدا، دو صدا... از یک آکورد یا یک تنالیت مشخص استفاده می‌کنم، نت‌های آکورد پایگی مانند صدای ناقوس‌ها هستند به همین خاطر است که استیل خود را *Tintinabulum* می‌نامم...<sup>۹</sup>

نقطهٔ عطف آهنگسازی پارت با سه اثر از ۱۹۷۷ شروع می‌شود. آثاری همچون *Cantus*<sup>۱۰</sup>، *Fratres*<sup>۱۱</sup> و *in Memorium of Benjamin Britten* و *Tabula Rasa*<sup>۱۲</sup> با تحسین فراوان منتقدان و

استقبال عامه مواجه شده و جایگاه او را به عنوان آهنگساز پیشرو و برتر استونی تثبیت کردند. شهرت آروو پارت در غرب باعث شد که وی توسط حکومت اتحاد جماهیر شوروی پیش از بیش تحت فشار قرار گیرد و سرانجام این امر منجر به مهاجرت پارت در سال ۱۹۸۰ به همراه همسرش «نورا» و دو پسرش گردید. ناشر آثار پارت در تمام مدت یاور وی بود و او را تشویق به ماندن در اتریش نمود که در آن جا به عنوان شهروند پذیرفته شد. یک سال بعد، پارت برندهٔ بورسی از آکادمی آلمان شد و به برلین غربی جایی که هم‌اکنون زندگی می‌کند - مهاجرت کرد.

آروو پارت از زمان ترک استونی، چیزی جز موسیقی مذهبی ننوشته است، آثار درخشانی مانند *St. John Passion* (۱۹۸۲)، *Te deum* (۱۹۸۴)، *Litany* (۱۹۹۱) توسط آنسامیل‌های خوانندگان و نوازندگان بی‌شماری در سرتاسر دنیا اجرا شده است.

از مدافعان پارت در غرب، باید از مانفرد ایشه در کمپانی ضبط ECM نام برد، که اولین ضبط آثار او را در غرب انجام داد، گروه آنسامیل دیل هیلپار<sup>۱۳</sup> که اکنون به *Theatre of Voices* معروف است اجرای اکثر کارهای کورال پارت را به عهده گرفته است، نیز باید از دوست قدیمی وی نیم یاروی<sup>۱۴</sup> یاد کرد که اغلب آثار او را رهبری و ضبط کرده است.

آروو پارت در شصت و یک سالگی به عنوان عضو افتخاری آکادمی هنر و ادبیات آمریکا برگزیده شد. وی همچنین عضویت آکادمی سلطنتی موسیقی سوئد را نیز داراست.

آروو پارت شخصیتی است فروتن و با ظرافت بسیار و سعی می‌کند به دور از جنجال‌های رسانه‌های گروهی که بعد از محبوبیت عظیم وی، او را راحت نمی‌گذارند، زندگی کند.



۱. Arvo Pärt, تلفظ صحیح نام وی Peht است. ۲. European Mysticism. ۳. Holy Minimalism. ۴. Tallin. ۵. Paide-Estonie. ۶. Jakob Obrecht (۱۴۵۰-۱۵۰۵). ۷. آهنگساز هلندی Johannes Ockeghem (۱۴۹۷-۱۴۱۰)، فرانسوی - هلندی. ۸. Guillaume de Machaut (۱۳۷۷-۱۳۰۰) آهنگساز و شاعر فرانسوی. ۹. Josquin Despres (۱۴۴۰-۱۵۲۱) آهنگساز فرانسوی - هلندی. ۱۰. برادران. ۱۱. آوازهایی به یادبود خاطرهٔ بنجامین برتین آهنگساز پیشرو انگلیسی برای ارکستر زهی و یک ناقوس. ۱۲. بنا به عقیدهٔ مسیحیت، ذهن انسان بر اثر ترکیه نفس و یادآوری خداوند مانند لوح سفید می‌گردد که عاری از هرگونه ناپاکی است و در آن صورت خداوند در وجود انسان خانه می‌کند. ۱۳. Paul Hillier. وی همچنین مؤلف کتابی به نام Arvo Pärt, Oxford University Press است. ۱۴. Avro Pärt, Neem Jani (1977).

آوازهای دنیای مسیحیت که به نام‌های پلن‌شان یا Plain Song و یا آواز گرگوری مشهورند، برای مدت هزار سال پایه‌های اصلی موسیقی تمدن غرب را تشکیل می‌داده‌اند، این آوازا حتی قدیم‌تر از ترانه‌های فولکلوری هستند که به زمانه ما رسیده است و با توجه به این که این پلن‌شان‌ها، کوچکترین بزرگترین اجزای موسیقی اروپا را تشکیل داده و می‌دهند و نیز سرودهای مذهبی اولیه به خاطر ریشه عمیق‌شان در موسیقی پلی فونی قرون وسطی، رنسانس، اهمیت وافر می‌یابند.

پلن‌شان‌های اولیه از سه منبع اصلی گرفته شده‌اند:

۱. بیزانس (بعدها قسطنطنیه و امروز استانبول) که گنجینه اوراد<sup>۱</sup> و مزامیر<sup>۲</sup> و اذکار<sup>۳</sup> بوده است.
  ۲. سوریه به عنوان بخشی از امپراتوری روم.
  ۳. فلسطین و آوازهای عبری.
- این سه مخزن عظیم، مستقیم‌ترین و وسیع‌ترین تأثیر را بر موسیقی صدر مسیحیت گذاشته و در زمان‌های گوناگون از هزاره اول مسیحی در پنج استیل گوناگون توسعه یافتند.
- الف: آوازهای بیزانسی که خود بر آوازهای اولیه مسیحیت تأثیر داشتند و بعدها خودشان به صورت فرم‌های آوازهای کلیسای ارتدکس درآمدند.
- ب: آوازهای امبروزین<sup>۴</sup>: که به خاطر کشیش میلانی قرن چهارم به نام امبروز این نام را گرفتند. این آوازا به خاطر حالت خاص ملودی، شاخه مشخصی از موسیقی مسیحیت را تشکیل می‌دهند.

نمود و آهنگسازان و خوانندگان بی‌شماری در طول تاریخ مسیحیت به شیوه‌های گوناگون برای این نمازها و مراسم سرودند و خوانند. بخش عمده این ادبیات آوازی در اوایل بررسی تاریخی، صرفاً آوازی و یک صدایی یا مونوفونی<sup>۱۴</sup> (مانند آواز موسیقی دستگاهی ایران) بوده و بعد از قرون ۸ و ۹ میلادی به صورت دوصدایی و بیشتر ثبت شده است<sup>۱۵</sup>. یک نکته نیز نباید فراموش گردد و آن این که در یونان باستان نوعی گفت‌وگو و سؤال و جواب سازی - آوازی بین استاد و شاگرد در هنگام اجرا معمول بود که خاصیتی تعقیبی داشته است یعنی استاد نغمه‌ی می‌سروده و شاگرد آن را فی‌البداهه با پاسخ خود همراهی می‌کرده و بدان هیتروفونی<sup>۱۶</sup> می‌گفته‌اند و این هتروفونی که البته در زمره آثار مونوفونیک قلمداد می‌گردد به صدر مسیحیت و از آن جا به زمان کنونی رسیده است.

به عنوان مثال پلن‌شان زیبای Jesu Dulcis Memoria در زیر آورده می‌شود که ریتم ثابت و خاصی نداشته و در هر کوکی می‌تواند خوانده شود و اشعار ترانه بر روی نت‌ها سوار می‌گردد:



این آواز در یکی از مدهای هفتگانه مرسوم کلیسا به نام «دورین»<sup>۱۷</sup> نوشته شده است و همراهی سازی یا آکومپانیمان نیز ندارد و از ستاره‌های مشخص شده بر بالای نت‌ها می‌توان دریافت که در کدام الگوی کلیسایی (این جا دورین) اجرا می‌گردد.

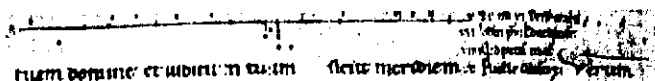
از تنورسین‌های موسیقی قرون وسطی می‌توان از: توتیلو (قرن ۱۰)، بالیوس (قرن ۱۰)، توماس آکوئیناس (قرن ۱۳)، گوئیدو از شهر آرتزو (قرن ۱۱)، گیوم دوماشو و گیوم دوفای (هر دو قرن ۱۴) و ژوسکن دپره (قرن ۱۵ و ۱۶) نام برد که در زمینه متون مذهبی و غیرمذهبی مرسوم در بین کلیسا و مردم آثار خویش را ثبت و به یادگار نهاده‌اند. کما این که آثار این فرهیختگان هنوز در کاتدرال‌ها و کلیساهای گوناگون سراسر جهان به صورت جزء لاینفک تمدن مسیحیت در آمده و از کوچک و بزرگ به یادگیری آن‌ها می‌پردازند و در اعیاد و مراسم خویش چه جشن و سرور باشد چه ماتم و عزایا که نماز معمولی و نماز میت به خواندن آن‌ها مبادرت می‌ورزند بدون این که حتی نام آهنگسازان این آوازا بر آنان معلوم باشد.

ج: آوازهای گالیکن<sup>۱۸</sup>: که بیشتر توسط فرانک‌ها (فرانسوی‌ها) در منطقه امروزی فرانسه استفاده می‌شده و تا زمان شارلمانی امپراتور فرانسه در قرن هشتم موجود بوده‌اند.

د: آوازهای مژازبیک<sup>۱۹</sup>: که در اسپانیا رواج داشته و تحت تأثیر تهاجم قبایل «مور» به شبه جزیره ایبری در قرن هشتم، ایجاد و باقی مانده است.

ه: سرودهای گرگوری<sup>۲۰</sup>: واژه‌ی است که معمولاً برای تمام آوازهای مذهبی مسیحیت به کار می‌رود. این واژه از اسم گرگوری کبیر پاپ قرن ششم گرفته شده که به دستور او تمام آوازهای موجود در اروپا، به صورت متحدالشکل و سازمان یافته در آمدند و در نتیجه آوازهای گرگوری، وقتی که روم مرکز دنیای مسیحیت شد تمام موسیقی اروپا را تحت تأثیر و پوشش خود قرار داد.

لازم به تذکر است که هر منطقه با تکنیک و روش و احیاناً زبان بومی خویش مراسم مذهبی و متون اناجله را به جای می‌آورده‌اند که من حیث‌المجموع در ۴ حیطة سیلابیک خوانی<sup>۸</sup>، نوماتیک خوانی<sup>۹</sup>، ملیزماتیک خوانی<sup>۱۰</sup> و سالموردیک<sup>۱۱</sup> قرار می‌گیرند که شرح آن‌ها از حوصله این مقال خارج است. از سوی دیگر کلیسای کاتولیک نمازهای یومیه<sup>۱۲</sup> و یا ایام متبرک و مراسم مذهبی<sup>۱۳</sup> را با پلن‌شان‌های یاد شده تلفیق



آثار به یادگار مانده از تنورسین‌های موسیقی قرون وسطی در کاتدرال‌ها و کلیساهای گوناگون جهان به صورت جزء لاینفک تمدن مسیحیت در آمده و در اعیاد و جشن و نیز ماتم اجرا می‌شود، بدون این که امروز نامی از آهنگسازان باقی مانده باشد.

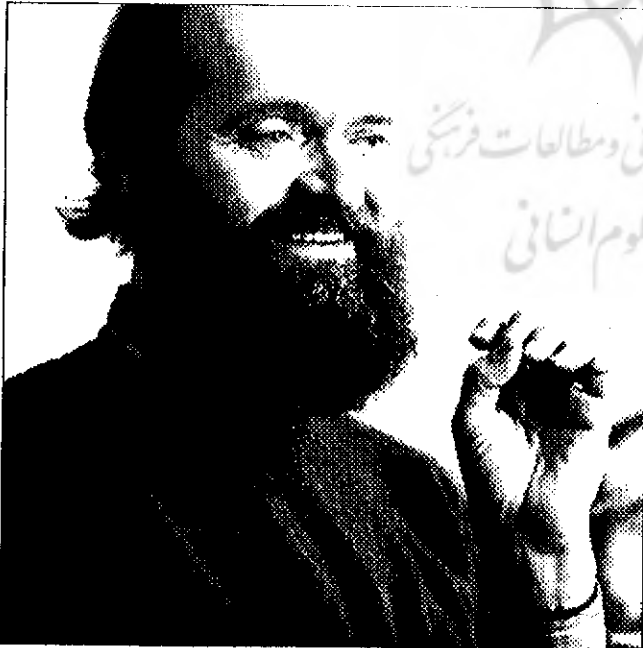
مکتبی که آروپارت به آن تعلق دارد به «صرفان اروپایی» و نیز «دینی مالیم مقدس» موسوم است اما با وجود در برداشتن وجهی از هر دو این مکاتب، می‌توان آن را مکتب «سادگی» نیز نامید

Office .۱۲	بالوشت‌ها:
Monophony .۱۴	
Polyphony .۱۵	
Heterophony .۱۶	Hymn .۱
Dorian .۱۷	(سالم) Psalm .۲
Phrygian, Dorian, Ionian, Lydian, Mixolydian, Aeolian و Locrian که هر یک هفت شد عبارتند از	Vespers .۳
منسوب به شهری به همان نام در یونان بوده است	Ambrosian .۴
Tuotilo .۱۸	Galican .۵
Notker Balbulus .۱۹	Mosearabic .۶
Thomas Aquinas .۲۰	Gregorian .۷
Guido d'Arezzo .۲۱	Sylabic .۸
Guillaume De Machaut .۲۲	Neumatic .۹
Guillaume De Fauy .۲۳	Mellsmatic .۱۰
Josquin Despres .۲۴	Psalmotic .۱۱
	Mass .۱۲

deinde ecclesiarum beate ecclesie Loquebar de in no be  
 tectio ni r' tuis inconfectu re gunt co non  
 confunde bar Loquepone michi do  
 mine iam iusti carum tu rum  
 et exquiram e amiseri per oia P uelle Galcan

یک آواز امبروزین که شامل اوراد و اذکار فرائض دینی و نماز است. (قرن ۱۲ میلادی)

Ant.  
 1.  
 S Al-ve, \* Re-gi- na, mater mi-se-ricordi- ae:  
 Vi- ta, dulce- do, et spes nóstra, sál-ve. Ad te  
 clamá-nus, exsu-les, fi-li- i Hévae. Ad te suspi-rá-  
 mus, gemétes et flén-tes in hac lacrimá-rum välle.  
 E- ia ergo, Advocá- ta nóstra, illos tú- os mi-se-ri-  
 córdes ócu-los ad nos convér-te. Et Jésum, bened-  
 ctum frúctum véntris tú- i, nó-bis post hoc exsi- lí- um  
 os-ténde: O clé-mens: O pí- a: O dúlcis



(سلام بر مادر، باکره مقدس آسمان‌ها)  
 به خطوط حامل ۴ گانه و نحوه نت‌نویسی و طرز قرار گرفتن شعر بر روی نت که در قرون وسطی به Neum (نوم) موسوم بود دقت نمایید.